

## فصلنامه علمی رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: ۸۵۶۲۵ Article Cod: Y2N3A11164 ISSN-P: ۲۶۷۶-۶۴۴۲

### بررسی وثاقت اصحاب اجماع

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۶/۱۲)

دکتر عبدالله مختاری<sup>۱</sup>

دکتری رشته فقه و حقوق جزا، دانشگاه شهیدمطهری (ره) سطح ۴ حوزه علمیه قم

امیر بارانی بیرانوند

دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهیدمطهری (ره)

#### چکیده

مرحوم کشّی در کتاب «اختیار معرفه الرجال» که توسط شیخ طوسی تلخیص شده است بر تصحیح و تصدیق تعدادی از روایات و فقهاء نقل اجماع کرده است. این افراد بعدها توسط رجالیون به اصحاب اجماع مشهور شده‌اند. در اینکه مراد کشّی از اجماع بر تصحیح افراد چه بوده؟ احتمالاتی از طرف علمای رجال مطرح شده است برخی تنها وثاقت خود مجمع علیه، برخی علاوه بر وثاقت راوی بر وثاقت مروی عنه، برخی بر تصحیح اصول کتابت شده توسط این افراد قائل شدند. اکثر بزرگان جالی این عبارت را تنها مثبت جلالت شأن آنها دانسته‌اند. با این همه هریک از این احتمالات چندان مبنای درستی ندارد. با این همه می‌توان گفت با توجه به نوع کلام مرحوم کشّی و بیان شیخ در عبارت «لایروون و لایرسلون الا عن ثقه» به این باور متمایل شد که اعتبار و منزلت این افراد لزومی بر تصریح در چنین اجماعی ندارد؛ چراکه افراد دیگری نیز به عظمت آنان نیز وجود دارد و حتی اگر اجماع کشّی نبود جلالت آنان ثابت بود. روایتی که آنان نیز بدون واسطه نقل می‌کنند به اعتبار وثاقت آنان نیز، نیاز به تصریح در قالب اجماع ندارد. بنابراین مراد کشّی از نقل اجماع برای اثبات وثاقت راویانی است که این افراد از آنها نقل روایت می‌کنند. از میان اصحاب امام رضا (ع) یونس بن عبدالرحمان در رتبه برتر از آنها و بعد از صفوان بن یحیی قرار دارد. عثمان بن عیسی نیز به دلیل سابقه واقفی بودن و عدم ذکر اجماع مذکور در خصوص او مورد تشکیک خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** اصحاب اجماع، امام رضا (ع)، توثیق، رجال، وثاقت

## مقدمه

رجالی معروف محمد بن عمر معروف به «کشّی» در کتاب خود که اصل آن موجود نیست ولی توسط شیخ طوسی تلخیص شده است، تعدادی از اصحاب ائمه صادقین (ع) و امام موسی بن جعفر (ع) و امام رضا (ع) را در شمار اصحاب خاص ذکر کرده است. این افراد در لسان رجالین متأخر به «اصحاب اجماع» شهرت یافتند. طبق تلخیصی که شیخ از رجال کشّی کرده و به «اختیار معرفة الرجال الکشّی» معروف است در سه مورد از کتاب کشّی به ذکر این افراد پرداخته است. (کشّی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۶۷۳؛ ج ۲: ۸۳۰؛ ج ۲: ۵۰۷) اجماع بر توثیق یک یا چند نفر در اصطلاح حدیثی به توثیق عام و خاص تقسیم می‌شود، هرگاه اجماع بر توثیق یک فرد معین صورت گرفته باشد توثیق خاص و هرگاه اجماع بر وثاقت جمعی از روایات اقامه شود توثیق عام است. (رحمان ستایش، ۱۳۸۵: ۷۱) اصحاب اجماع از آن جهت واجد اهمیت است که شمار زیادی از احادیث از این افراد نقل شده است و چنانچه بر طبق احتمالات مطرح شده در عبارت کشّی ثابت گردد در یک احتمال تعداد زیادی از این روایت بدون بررسی سند و در احتمال دیگر وثاقت مجمع علیه و طبق یک احتمال دیگر وثاقت مُجمَع علیه و مروی‌عنه ثابت خواهد شد این بدین معنا است که صحت روایات زیادی به این امر بستگی دارد. بنابراین در این جستار ابتداء به ذکر این افراد، سپس تبیین مراد کشّی از اجماع ذکر خواهد شد، اقوال و احتمالات مطرح شده بیان خواهد شد و به ارزیابی هر کدام و احتمال برگزیده پرداخته خواهد شد. سپس به وثاقت اصحاب اجماع امام رضا (ع) پرداخته خواهد شد.

### بخش اول: اصحاب اجماع در عبارات مرحوم کشّی

کشّی در سه مورد از کتاب خود از اصحاب اجماع نام برده است، (کشّی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۶۷۳) در هر مورد افرادی ذکر شده که موارد قطعی آن هیجده نفر است، در هر طبقه شش نفر قرار دارد که در سه طبقه قرار می‌گیرند و در شمار اصحاب امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) قرار می‌گیرند، عبارت کشّی در اختیار معرفة الرجال با ذکر نام هر یک از اصحاب به در زیر ذکر می‌شود:

طبقه اول: شامل اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) هستند، این دسته شش نفر بوده که افقه آنان

زراره است:

«دانشمندان ما بر تصدیق این دسته از یاران قدیمی امام باقر و امام صادق علیهما السلام اجماع دارند و فقاہت آنها را مسلم می‌دانند و می‌گویند: داناترین یاران قدیمی [این دو امام] در فقه، شش نفرند: زرارہ، معروف بن خربوذ، بُرید، ابو بصیر اسدی، فضیل بن یسار و محمد بن مسلم طائفی. می‌گویند: فقیه‌ترین این شش نفر، زرارہ است. برخی به جای ابو بصیر اسدی، ابو بصیر مرادی، یعنی لیث بن بختری را نام برده‌اند.» (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۵۰۷)

طبقه دوم: شامل اصحاب امام صادق (ع) هستند این دسته نیز شش نفر بوده که فقیه‌ترین آنها جمیل بن دراج است:

«در نام بردن فقها از یاران امام صادق علیه السلام؛ دانشمندان ما بر صحیح دانستن آنچه از این افراد، صحیح است و نیز تصدیق آنان در آنچه می‌گویند، اجماع دارند و بر فقیه بودن آنان اقرار کرده‌اند. این افراد غیر از شش نفری که قبلاً نام بردیم، شش نفرند: جمیل بن دراج، عبد الله بن مسکان، عبد الله بن بکیر، حماد بن عیسی، حماد بن عثمان و ابان بن عثمان. گفته‌اند: ابو اسحاق فقیه (ثعلبہ بن میمون) بر این باور است که فقیه‌ترین اینها جمیل بن دراج است.» (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۶۷۳)

طبقه سوم: اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) هستند که شش نفر بوده و یونس و صفوان افقه آنان هستند:

«در نام بردن فقها از یاران امام کاظم و امام رضا علیهما السلام؛ دانشمندان ما بر صحیح دانستن آنچه از این افراد، صحیح است، اجماع دارند و آنها را تصدیق می‌کنند و بر فقاہت و علم آنها اقرار دارند. اینان، غیر از شش نفری که جزو یاران امام صادق علیه السلام یاد کردیم، شش نفرند: یونس بن عبد الرحمان، صفوان بن یحیی بیاع ساہری، محمد بن ابی عمیر، عبد الله بن مغیرہ، حسن بن محبوب و احمد بن محمد بن ابی نصر. برخی به جای حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال و فضالہ بن ایوب را گفته‌اند، و برخی به جای ابن فضال، عثمان بن عیسی را؛ و فقیه‌ترین اینان، یونس بن عبد الرحمان و صفوان بن یحیی هستند.» (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۸۳۰)

در عبارات کشی «اجمع اصحابنا»، «اجمعت العصابہ» آمده است که نه تنها فقها، بلکه همه امامیه را شامل می‌شود. اجماع در این عبارت ظاهراً اجماع الكل و به معنای لغوی بوده و قابل خدشه نیست. (مازندرانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۵۰) شاهد این مطلب آن است که در نسخ مختلف تعبیر اجماع «اجمع»

و اجتماع «اجتماع» شده است. ابن شهر آشوب، ابن داود حلی، شهید اول، طریحی، مجلسین، شیخ بهائی، محقق داماد، بحر العلوم و محقق سبزواری این اجماع را پذیرفتند. (نوری، ۱۴۲۹، ج ۳: ۸۵۸؛ ابن داود، ۱۳۴۲: ۳۸۴) در مجموع اصحاب اجماع در عبارت کَشَّی هیچ‌ده نفر است، اما در طبقه اول و سوم به جای افرادی که ذکر شده اجماع در خصوص افراد دیگر نیز وجود دارد: مثلاً در طبق اول «ابوبصیر» بر دو فرد اطلاق می‌شود یکی «ابو بصیر مرادی» که اسم او «لیث بن البختری» است و دیگری «ابو بصیر اسدی» که نام او «یحیی بن القاسم اسدی» است. کَشَّی در کتاب معرفه الرجال اجماع را در خصوص ابو بصیر اسدی دانسته اما برخی در مورد ابو بصیر مرادی جاری دانسته‌اند. (کلباسی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۳۷) در طبقه سوم برخی گفته‌اند: بجای «حسن بن محبوب» دو شخص دیگر «حسن بن علی بن فضال» و «فضاله بن ایوب» قرار دارد. برخی دیگر گفتند: بجای «ابن فضال» فرد دیگری «عثمان بن عیسی» قرار دارد. بنابراین علاوه بر هیچ‌ده نفر یک نفر در طبقه اول، سه نفر در طبقه دوم ادعای اجماع شده که مجموعاً بیست و دو نفر محسوب می‌شوند.

### بخش دوم: مراد کَشَّی از عبارت «تصحیح ما یصح عنهم»

مرحوم کَشَّی در دو جا عبارت «علی تصحیح ما یصح» بکار برده است (کَشَّی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۸۳۰) یکی در طبقه دوم و دیگری در طبقه سوم اصحاب اجماع. رجالیون در مراد از «ما» در این عبارت اختلاف دارند. مجموعاً پنج احتمال در این عبارت وجود دارد:

احتمال نخست: مراد کَشَّی روایت کردن و حکایت و روایت این گروه به معنای مصدری است. رجالیونی چون علامه شوشتری (شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۱: ۷۲)، فیض کاشانی (کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۷)، صاحب ریاض و محقق خوئی (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۵۸) این احتمال را تقویت کردند. بر طبق این احتمال این عده مرتکب دروغ و کذب نمی‌شوند، نه به معنا صحت روایات آنها است.

احتمال دوم: میرداماد (میرداماد، ۱۴۰۵، ج ۲: ۵۰۷) و مرحوم شفتی (شفتی، بی تا: ۵) قائل هستند مراد از تصحیح، تصحیح روایت است. یعنی به صرف اینکه نام یکی از این افراد در سند باشد آن روایت صحیح است.

احتمال سوم: استرآبادی در کتاب لب اللباب قائل است مراد مروی است، یعنی وثاقت این افراد

ثابت است. (استرآبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۳)

احتمال چهارم: مراد وثاقت مروی و مروی‌عنه است. یعنی هم خود فرد هم کسانی که او از آنها نقل روایت می‌کند ثقة هستند. (طلاییان، ۱۳۸۱: ۳۱۵)

احتمال پنجم: مراد آن است که روایات موجود در کتب این اصحاب صحیح است. (صرامی، ۱۳۹۱: ۱۲۰) مجموع این احتمالات در کتب رجالیون مورد اشاره واقع شده است اما باید دید واقعا مراد کشتی از این عبارت چه بوده و اجماع بر چه امری قائل شده است؟ ذیلا به بررسی این مطلب خواهیم پرداخت.

### بخش سوم: ارزیابی احتمالات و اقوال در کلام کشتی

در خصوص احتمال اول که آیت الله خوئی، علامه شوشتری، صاحب وافی، ابن شهر آشوب و صاحب ریاض بدان قائل شدند (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۵۷) بر این مبنا این اجماع فقط عظمت و جلالت این افراد را نشان می‌دهد در واقع اجماع بر وثاقت خود آنان است. (نوری، ۱۴۲۹، ج ۲: ۴۰۰) مؤید این احتمال در کلام کشتی در خصوص طبقه اول است، وی در مورد طبقه اول می‌گوید: «علی تصدیق هؤلاء الاولین» (کشتی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۵۰۷)، اما این احتمال بعید به نظر می‌رسد چه دلیلی دارد که اصحاب فقط در خصوص هیجده نفر اجماع کنند، علاوه بر این که اگر چنین اجماعی هم نبود، جلالت شأن و وثاقت آنان تمام بود و نیازی به اجماع نبود. بنابراین باید امر دیگری در میان بوده باشد که چنین اجماعی صادر شده است. (نوری، ۱۴۲۹، ج ۲۳: ۴۰۰) در احتمال دوم که میرداماد مطرح کرده بود و برخی از بزرگان چون وحید بهبهانی بدان قائل بودند بدین صورت که اصحاب اجماع بر تصحیح روایت این افراد و فقه و فضل آنان اقرار دارند، بنابراین اگر روایت آنان مرسل باشد یا مرفوع باشد از نظر اینان تلقی به صحیح می‌شود. (میرداماد، ۱۴۰۵، ج ۲: ۵۰۷) وحید بهبهانی می‌نویسد: «مراد اصحاب صحیح دانستن روایتی است که صحیحا از آنان نقل شده بنابراین به ادامه سند تا امام حتی اگر ضعف داشته باشد توجه نمی‌شود». (نوری، ۱۴۲۹، ج ۲۳: ۴۰۰) به نظر می‌رسد این احتمال تا حدودی درست باشد چرا که نوع چنین کلامی وقتی صادر می‌شود خصوصا به صورت محدود دلیل بر تأیید بر منقول آنها است. وقتی کسی را تأیید می‌کنند یعنی او را در قول مورد اعتماد می‌دانند. احتمال سوم نیز به نوعی بازگشت به احتمال اول دارد و حداقل برداشت از کلام کشتی است. (استرآبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۳) در خصوص احتمال پنجم هم با احتمالات دیگر تداخل دارد علاوه بر اینکه اصحاب امامیه کتاب‌های حدیثی اصحاب که «اصول اربعمائه» نام دارد را قبول دارند چنین بیانی در این خصوص لازم نیست. بنابراین تا حدودی احتمال چهارم به واقعیت نزدیک‌تر است. (طلاییان، ۱۳۸۱: ۳۱۵) نوع چنین

کلامی وقتی صادر می‌شود دلالت دارد که این افراد در حرفی که می‌زنند و روایتی که نقل می‌کنند متقن بوده و ثقه هستند. این کلام مُثَبِت آن است که عدالت و تقوای این افراد علاوه بر فقه آنان که در کلام کَشِّی آمده در کنار هم مرجعی برای شیعه در آن زمان بوده است، چنانچه اکثر آنها از بزرگترین اصحاب امامیه هستند. عدالت آنان و تقوای آنان باعث می‌شود از افرادی روایت نقل کنند که در نقل و ثاقت داشته و از شبهه به دور باشند چنانچه روش فقهای امامیه چنین است که از افراد ضعیف و لو در امر فتوی پرهیز می‌کنند. خصوصاً اینکه نقل اگر روایت باشد اهتمام بیشتری به آن می‌دهند، بنابراین جلالت شأن آنها و وثاقت آنها نزد امامیه حتی بدون صدور این کلام کَشِّی ثابت است، روایتی که هم بدون واسطه نقل می‌کنند نیز یقیناً از خود معصوم (ع) شنیده‌اند، حال اینکه شاید آن روایت از روی تقیه بوده بحث دیگری است؛ اما در صحت نقل بدون واسطه آنان تردیدی نیست. تنها این مورد بحث است که اگر آنان روایتی را از معصوم (ع) با واسطه نقل کنند تکلیف آن چیست؟ باید کلام کَشِّی را بر این مورد حمل کرد و گفته شود مراد کَشِّی آن بوده این افراد علاوه بر وثابت خودشان و وثاقت در نقل در افراد مورد اعتماد نقل روایت می‌کنند. دلیل نویسنده بر این مطلب عبارت است از:

اولاً: صدور نوعی این کلام است؛ مثلاً حضرت رضا (ع) در خصوص سوال از اینکه معالم دین خود را از چه کسی گرفته شود، حضرت می‌فرماید «از یونس بن عبدالرحمان اخذ کنید». (حلی، ۱۳۲۴: ۳۸۱).

ثانیاً: رویه و شیوه‌ی علمای شیعه بر آن بوده در نقل امور بر افراد موثق و مورد اطمینان اعتماد کنند خصوصاً در امر روایت که اهتمام ویژه‌ای داشتند. شیخ انصاری در بحث خبر واحد ذیل اخبار وارده بر این اهتمام اشاره کرده و روایات زیادی را نیز ذکر کرده است. (انصاری، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۴۲)

ثالثاً: عبارت شیخ ذیل نقل کَشِّی است، که به صورت قاعده‌ای در علم رجال معروف شده است، «لا یرون و لا یرسلون إلاً مَمَّن یوثق به». (بصری، ۱۴۲۲: ۲۴) یعنی این افراد (ابن ابی عمیر، بزنطی و صفوان) جزء از ثقه نقل روایت نمی‌کنند، حال اگر از افرادی نقل روایت کنند و روایت مرسل بود باشد مراسلات آنان با مسانید آنها تساوی دارد (طوسی، ۱۳۰۳، ج ۱: ۹۹۲).

اشکالی از جانب صاحب ریاض به این نظریه وارد شده، که اگر چنین سخنی درست باشد؛ در کتب فقهی باید بدان اعتراف می‌شد، درحالی که چنین امری ثابت نیست. (نوری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۷۶۰) اما این اشکال ایراد دارد چرا که اولاً: قول شیخ در این مقام برای ما حجت بوده و قابل خدشه نیست (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۶۴) چگونه در باب شهرت فتوایی شهرت قدیمه را (نزدیک به عصر ائمه) را معتبر

می‌دانند؟ در حالی که این امر از شهرت کمتر نیست. (مظفر، ۱۳۸۷: ۵۱۱) ثانیاً: در کتب فقهی قبل از علامه شاید چنین مطلبی درست باشد اما در کتب بعد از علامه و متأخرین نقض این مطلب روشن می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد تسویه مراسیل با مسانید امری صحیح باشد.

### بخش چهارم: اصحاب اجماع امام رضا (ع) و توثیقات آنها

بر طبق عبارت کشتی اصحاب اجماع امام رضا (ع) شش نفر هستند: (۱) یونس بن عبدالرحمان؛ (۲) محمد بن ابی عمیر؛ (۳) صفوان بن یحیی؛ (۴) عبدالله بن مغیره؛ (۵) احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی؛ (۶) حسن بن محبوب. برخی بدل حسن بن محبوب حسن بن علی بن فضال و برخی فضال بن ایوب را ذکر کرده‌اند و برخی به جای فضاله عثمان بن عیسی را ذکر کردند. در هر صورت تعداد اصحاب اجماع امام رضا (ع) از شش نفر به نه نفر ارتقاء پیدا می‌کند. ذیلاً وثاقت و عظمت هر یک از اصحاب اجماع امام رضا (ع) را مورد بررسی و مذاقه قرار خواهیم داد:

#### بند اول: یونس بن عبدالرحمان

یونس مولی علی بن یقظین بین سال‌های ۱۰۵ تا ۱۲۵ در قم، بنا بر نقلی به دنیا آمده (بغدادی، ۱۹۷۷، ج ۱: ۲۱۶) و در سال ۲۰۸ هـ ق فوت کرده است. (طبری، ۱۴۱۳: ۱۱۹) وی از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) محسوب می‌شود، اما نقل است که امام باقر (ع) و امام صادق (ع) را ملاقات کرده ولی از آنها روایتی نقل نکرده است. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۴۶) شخصیت یونس به قدری بزرگ است که فقیه‌ترین اصحاب اجماع طبقه سوم (کشتی، ۱۴۰۴؛ ج ۲: ۸۳۰)، در روایت، تشبیه به سلمان شده (کشتی، ۱۳۴۸: ۴۸۴) و در امور فتوی و حدیث به او ارجاع می‌دادند (کشتی، ۱۳۴۸: ۴۸۳) بیش از پنجا مرتبه حج رفته است. (حلی، ۱۴۱۱: ۱۸۴) در خصوص وثاقت یونس به چند مورد اشاره می‌شود:

الف) از امام رضا (ع) سوال شد معالم دین را از چه کسی أخذ کنیم؟ امام فرمود «از یونس بن عبدالرحمان».<sup>۱</sup> (اصفهانی، ۱۴۰۶، ج ۱۴: ۸۴) این مطلب به خوبی اعتبار یونس را نزد امام رضا (ع) نشان می‌دهد.

<sup>۱</sup> «عن عبد العزيز بن المهدي و كان خير قمي رأيتُه و كان وكيل الرضا عليه السلام و خاصته قال: سألت الرضا عليه السلام فقلت: إنني لا ألقاك في كل وقت فعمن أخذ معالم ديني؟ قال: خذ عن يونس بن عبد الرحمن». رك: (اصفهانی، ۱۴۰۶؛ ج ۱۴، ص: ۸۴)

ب) ابوهاشم جعفری از امام نهم (ع) درخصوص یونس سوال کرد، امام در پاسخ فرمود: «خداوند رحمت کند یونس را، خداوند رحمت کند یونس را، یونس بنده خوب حق تعالی بود که خود را وقف خدا کرده بود.»<sup>۱</sup> (کشی، ۱۴۹۰: ۴۸۴)

علاوه بر این فضل بن شاذان (کشی، ۱۴۹۰: ۴۸۴) شیخ در الفهرست (طوسی، بی تا: ۲۶۶) نجاشی (نجاشی، ۱۴۹۰ ج ۲: ۴۲۲) علامه (حلی، ۱۳۸۱: ۱۸۴) آیت الله خوئی (خوئی، بی تا، ج ۲۰: ۲۱۸) و بسیاری دیگر بر وثاقت یونس شهادت و اعتراف کردند. با این حال برخی از قمیون از جمله عبد علی بن یقظین وی را ضعیف شمرده‌اند و همچنین وجود برخی روایات در باطن امر، نشانگر طعن و ضعف اوست.

شیخ در فهرست می گوید: «مولی علی بن یقظین طعن علیه القمیون» (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۴۶)، قمیون درخصوص یونس طعن وارد کردند هرچند نزد من ثقه است. روایاتی نیز وجود دارد که مذمت آمیز بوده و با شخصیت یونس سازگار نیست، مثلاً در روایتی آمده محمد بن عیسی قمی درخصوص بهشت از امام رضا (ع) سوال کرد و گفت یونس گفته بهشت هنوز خلق نشده، امام فرمود: «یونس دروغ گفته اگر بهشت نیست پس آدم کجاست.» (کشی، ۱۴۹۰: ۴۹۱) اما درخصوص مورد اول باید گفت قمی‌ها معمولاً در آن زمان برخورد تندی با افکاری که به نظرشان غلو محسوب می شد داشته‌اند، بی شک اگر چنین مطلبی در حق یونس صحیح بود هیچ وقت امام رضا (ع) مردم را به سوی او سوق نمی داد. درخصوص روایت نیز باید گفت که مرسله بوده و به سند دیگر نیز نقل شده که آن هم ضعیف است. (خوئی، بی تا، ج ۲۰: ۲۰۹) بنابراین اجماع اصحاب بر توثیق یونس و مرویات او بی شک بی وجه نبوده است.

### بند دوم: احمد بن ابی نصر بزظی

ابوجعفر احمد بن محمد بن ابی نصر بزظی از اصحاب امام رضا (ع) متوفی سال ۲۲۱ هـ ق است. (طوسی، بی تا: ۵۰) او در ابتداء واقفی بوده اما به اشارت امام رضا (ع) و مباحثه با او از دیدگاهش بر می گردد. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۲) برخی درخصوص کلمه «بزظی» گفته‌اند نوعی پارچه است (حلی،

<sup>۱</sup> «جَعْفَرُ بْنُ مَعْرُوفٍ، قَالَ حَدَّثَنِي سَهْلُ بْنُ بَحْرٍ، قَالَ حَدَّثَنِي الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْجَلِيلُ الْمَلْقَبُ بِشَاذَانَ، قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي خَلْفٍ ظَهْرُ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)، قَالَ، كُنْتُ مَرِيضًا فَدَخَلَ عَلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) يَعُوذُنِي فِي مَرَضِي، فَإِذَا عِنْدَ رَأْسِي كِتَابٌ يَوْمٌ وَ لَيْلَةٌ، فَجَلَلْتُ يَتَصَنَّفُهُ وَرَقَةً وَرَقَةً، حَتَّى آتَى عَلَيَّ مِنْ أَوْلَاهِ إِلَى آخِرِهِ، وَجَعَلَ يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ يُونُسَ رَحِمَ اللَّهُ يُونُسَ رَحِمَ اللَّهُ يُونُسَ.» (کشی، ۱۴۹۰، ص: ۴۸۴)



۱۴۱۰، ج ۳: ۵۵۳) ولی برخی آن را معرب بیزانسی (یونانی) می‌دانند. (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۱: ۴۶) بزرگانی چون کشی (کشی، ۱۴۹۰: ۵۸۳) شیخ طوسی (طوسی، بی تا: ۵۰) ابن ندیم (ابن ندیم، بی تا: ۲۷۶) نجاشی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۲) حمیری (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۴۷) آیت الله خوئی (سبحانی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۹۷) او را توثیق و معتبر دانسته‌اند. مطلب دیگر در خصوص بزندی آن است که آیت الله خوئی بعد از شمارش استاید وی ۱۱۵ نفر را احصاء کرده که ۵۳ نفر از آنان ضعیف، مجهول و یا مهمل است. بر این اساس اجماع مذکور بر تصحیح بزندی مورد خدشه واقع می‌شود، (خوئی، بی تا، ج ۳: ۲۳) البته این مطلب پاسخ داده می‌شود که: اولاً: بسیاری از این افراد مشایخ بزندی نیستند بلکه از معاصران او محسوب می‌شوند، ثانیاً: دیگر رجالیون او را توثیق کردند، بنابراین با این سخن در تنافی است و در آخر اینکه منشأ برخی از ایرادات اشتراک روات در اسم و لقب است. (سبحانی، ۱۴۱۰: ۲۶۴) بنابراین بزندی نیز در نهایت وثاقت و اعتبار است.

### بند سوم: صفوان بن یحیی

ابومحمد بجلی کوفی صفوان بن یحیی که در وثاقت و عظمت او تردیدی وجود ندارد. به صفوان بیاع سابری گویند، چون فروشنده پارچه‌ی به نام «سابری» بوده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۳۹)، وی وکیل امام رضا (ع) و امام جواد (ع) بوده و از اصحاب امام کاظم (ع) و پدر او از اصحاب امام صادق (ع) محسوب می‌شود. (طوسی، بی تا: ۱۴۵) در باره‌ی وثاقت او تأییداتی نیز از ائمه (ع) وجود دارد:

- بسیاری می‌خواستند با پیشنهادات هنگفت وی را به سمت واقفیه بکشاند ولی او قبول نمی‌کرد، امام رضا (ع) درباره‌ی او فرمود: «صفوان هیچ‌زمان جاه طلب نبود و ریاست را دوست نمی‌داشت». (طوسی، بی تا: ۱۴۶)

- در روایتی امام جواد (ع) از او به نیکی یاد کرده و می‌فرماید: «صفوان هیچ‌زمان با من مخالفتی نکرد». (نجاشی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۳۹)

### بند چهارم: عبدالله بن مغیره

ابومحمد بجلی عبدالله بن مغیره کوفی از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) محسوب می‌شود. شیخ در اختیار معرفه الرجال از قول وی می‌گوید: «در ابتداء واقفی بودم به سفر حج رهسپار شدم در دلم چیزی احساس کردم خودم را به ملتزم (قسمتی از دیوار کعبه) چسباندم، و گفتم خدایا

خواسته‌ی مرا می‌دانی، به من بهترین دین هدایت بفرما، به دلم افتاد که به زیارت رضا (ع) بروم، وقتی بر آن حضرت وارد شدم حضرت فرمود: خداوند دعای تو را اجابت کرد و در دین هدایت یافتی». (کشی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۶۴) با این حال بر طبق روایتی او را به واقفی بودن انتساب می‌دهند که توسط رجالیون مورد مناقشه واقع شده است. (خوئی، بی‌تا، ج ۱: ۳۳۹) بنابراین اجماع مذکور در خصوص عبدالله بن مغیره تمام است.

### بند پنجم: حسن بن محبوب

أبو علی الحسن بن محبوب بن وهب بن جعفر بن وهب السَّراد از اصحاب اجماع و از ارکان اربعه عصر خود محسوب می‌شوند. (نجف، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۰۴) یونس بن عبدالرحمان و صفوان بن یحیی و احمد بن ابی نصر بن زنی ارکان اربعه عصر خود محسوب می‌شوند. (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۲۲) برخی به او «الزَّراد»<sup>۱</sup> می‌گفتند که در پاسخ شخصی از امام رضا (ع) مبنی بر اینکه ابن محبوب الزَّراد کتابی برای ما فرستاده نظر ایشان را جویا شدند، امام فرمود: «راست گفته است، ولی نگویید: «الزَّراد» بلکه بگویید «السَّراد»، ندیده‌اید که در قرآن می‌گوید: «وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ»<sup>۲</sup>. (مامقانی، بی‌تا، ج ۱: ۳۰۴) همین روایت بر عظمت و اعتبار ابن محبوب دلالت دارد. المشیخه کتاب معروف ابن محبوب است. (شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۳: ۳۴۸)

### بند ششم: محمد بن ابی عمیر

ابو احمد محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی ازادی بغدادی از فحول علمای شیعه و از بزرگان حدیث است. (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۵۴) شغل ابی عمیر بزازی بود و تمام اموال توسط مامون مصادره شد. با این که او تالیفات زیادی دارد اما هیچ اثری از او باقی نمانده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۲۶) در علت این مطلب بیان شد که به دلیل اینکه نام شیعیان افشا نشود همه آنها را در خانه نگه می‌داشت و در اثر باران و رطوبت از بین رفته است برخی هم گفته‌اند وقتی به زندان مامون افتاد یکی از اقوام او کتاب‌های را در زمین دفن نموده و بدین سان از بین رفته است. (حسینی، ۱۴۲۸، ص ۶۹) با این حال حافظه قوی داشته و حدیث نقل می‌کرده است از همین رو مشهور است که مرسلات او به مانند مسانید

<sup>۱</sup> به معنای زره‌ساز.

<sup>۲</sup> «روی احمد بن محمد بن ابی نصر قال: قلت لأبي الحسن الرضا عليه السلام ان الحسن بن محبوب الزرارة اتانا برسالة قال: صدق لا تقل الزراد بل قل السراد ان الله تعالى يقول: وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ». (طوسی، ۱۴۰۷: ۵۳)

او هستند. ظاهراً به سال ۲۱۷ هـ ق وفات نموده است. (ساعدی، ۱۴۲۶، ج ۳؛ ص ۴۵۶) علاوه بر اجماع مذکور اتفاق بر پذیرش مراسلات او تأیید دیگر بر وثاقت و اعتبار او محسوب می‌شود. (صرامی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷)

### بند هفتم: حسن بن علی بن فضال

ابو عبدالله حسن بن علی بن فضال از خاندان با فضیلت بنی‌فضال است که از اصحاب ائمه (ع) محسوب می‌شوند. او صاحب دو فرزند است که به فطحی مذهبان گرایش پیدا کردند خود ابن فضال نیز چنین عقیده‌ای داشت اما در اواخر عمر خود از این عقیده دست برداشت و محضر امام رضا (ع) رسید. در خصوص خاندان بنی‌فضال روایت عامی از امام حسن عسکری (ع) وجود دارد، که از ایشان سوال شد با روایات این خاندان چکار باید کرد، امام (ع) فرمود: «آنچه از ما روایت می‌کنند را اخذ کنید و آنچه خود بدان عقیده دارند را ترک کنید».<sup>۱</sup> (عاملی، ۱۴۰۳: ۳۱۵) ابن فضال به عبادت مشهور بود و در مسجد کوفه محلی برای عبادت خود داشت که به ستون ابراهیم (ع) مشهور بود. (کلباسی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۵۵) چنانچه بیان شد برخی بجای حسن بن محبوب اجماع بر تصحیح را، در حق ابن فضال جاری دانستند، هرچند بعید نیست که علاوه بر ابن محبوب اجماع در حق ابن فضال هم مجری باشد فقط اینکه کشتی در این خصوص ابن فضال را قبول نکرده است. (زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۱۸: ۵۷۵۲)

### بند هشتم: فضاله بن ایوب

فضاله بن ایوب کوفی ازدی اهوازی از قبیله آزد، زاده شهر کوفه، و مقیم اهواز بود. او از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) و به نقل کشتی برخی به جای حسن بن محبوب او را اصحاب اجماع این دو می‌دانند. (کشتی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۸۳۱) رجالیون بر صداقت، پاکی، امانت، و وثاقت از او یاد می‌کنند. شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۶۶) نجاشی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۱۰) علامه (حلی، ۱۴۰۲: ۱۳۳) بر وثاقت او تأکید دارند. از آثار او می‌توان به الصلوة و النوادر اشاره کرد. نجاشی در مورد او می‌نویسد: «فضاله بن ایوب کوفی ازدی از عرب‌های اصیل کوفه بوده و مدتی در اهواز اقامت داشته از روات موثق شیعه محسوب می‌شود و در دینش مستقیم است».<sup>۱</sup> (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۱۰)

<sup>۱</sup> «قد قيل للإمام أبي محمد العسكري عليه السلام - لما ظهرت الفطحية من بني فضال - ما نصح بكتبهم و بيوتنا ملأى منها؟ فقال: خذوا ما رووا و دعوا ما رأوا». (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴: ۵۴۲)

### بند نهم: عثمان بن عیسی

ابوعمر و عثمان بن عیسی کوفی کلابی، از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) محسوب می‌شود. (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۴۶) او یکی از سران واقفیه بوده ولی از عقیده خود طبق نقلی برمی‌گردد. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۰) شرح ماجرا از این قرار است که وی وکیل امام کاظم (ع) در مصر بود و چون امام اکثراً در زندان هارون بود اموال زیادی نزد او جمع شده بود بعد از شهادت امام کاظم (ع) به دلیل اموال زیاد در امامت امام کاظم (ع) توقف نمود، امام رضا (ع) به او نامه نوشت تا اموال را مسترد کند در ابتدا خودداری می‌کند اما بعداً مستبصر شده و پشیمان می‌شود و توبه می‌کند. با این همه جمعیت شیعه او را در نقل روایت ثقه می‌دانند. (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۸۶۰) آیت الله خوئی بعد از رد نقل در خصوص استبصار وی او را در نقل روایت به اعتبار شیخ طوسی، ابن شهر آشوب و علی بن ابراهیم ثقه دانسته است. (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۱۲: ۱۲۹) نقل است که او در خواب دیده در حائر حسینی وفات می‌کند بنابراین در آنجا ساکن شد تا همانجا در گذشت. از تالیفات او می‌توان به کتاب المیاه، کتاب القضا، کتاب الاحکام نام برد. (حسینی، ۱۴۲۸: ۲۳۵) به دلیل سابقه واقفی بودن عثمان بن عیسی و اینکه از ارکان تأسیس فرقه واقفیه بوده آن هم به طمع مال، و سابقه مخالفت با امام عصر خود، همچنین عدم ذکر نام او در کنار افرادی که وثاقت او تأیید شده توسط کشی توقف و تشکیک در خصوص وی لازم خواهد بود، بنابراین به مجرد وقوع در سند نمی‌توان به صحت مرویات و مروی عنه او صحه گذاشت.

### بخش پنجم: ثمره بحث از اصحاب اجماع

با اینکه اصحاب اجماع یک اصطلاح و قاعده رجالی است اما فوایدی چند از علوم مختلف بر آن مترتب است. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### بند اول: ثمره رجالی

قدر متقین از عبارت کشی در این عبارت آن است که این افراد در نقل حدیث مورد اعتماد هستند. در رجال تعبیر به «ثقه» می‌شود. البته دیگران استفاده رجالی بیشتری بردند. مثلاً برخی می‌گویند نتیجه قاعده اصحاب اجماع آن است که وجود هر یک از این اشخاص در سلسله سند حدیث دال بر این است که افراد پیش از شخص مجمع تا معصوم (ع) مورد اعتماد هستند. (صرامی، ۱۳۹۱: ۹۸) به

عنوان مثال اگر جمیل بن دراج از شخصی (مثلا محمد بن سنان) از امام صادق (ع) نقل روایت کند حکم به توثیق آن فرد (محمد بن سنان) نیز می شود.

### بند دوم: ثمره درایه‌ای

طبق یک نظریه دیگر وجود هر یک از افراد مذکور در سلسله سند موجب می شود آن حدیث صحیح تلقی شود. بنابراین از نظر رجالی این حدیث و افراد موجود در سند نیاز به بررسی ندارد. آیت الله بروجردی معتقد است گرچه راوی ثقة از اصحاب اجماع نباشد و روایت مرسل باشد ارسال آوردن دلیل بر اعتبار روایت او است. مثلا در زیر روایتی که «علی بن اسباط عن غیر واحد» روایت کرده گفته است: گرچه این روایت مرسل است اما به اعتبار آنکه دلیل ارسال علی بن اسباط است این شخص در طبقه ششم بوده که محمد بن ابی عمیر به عنوان یکی از اصحاب اجماع امام رضا (ع) از او نقل روایت کرده بنابراین نقل روایت از چنین شخصی دلیل بر اعتبار اوست. (بروجردی، ۱۴۱۵: ۳۹۳)

### بند سوم: ثمره اصولی

همچنین بر طبق نظریه دیگر در تعارض بین خبرین از جهت سند، وجود یک راوی از اصحاب اجماع در یکی از دو روایت متعارض دلیل بر ترجیح آن روایت است. (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۳۹۳) بنابراین، نقل اصحاب اجماع از یک راوی مهمل و یا مجهول دلیل وثاقت او می شود؛ و حدیث مقابل آن، اگرچه از نظر سند صحیح باشد، گویی اصلا حجّت نیست و از حجیت خارج می شود. پس، حجّت و لا حجّت وجود دارد، نه حجّت و حجّت؛ و حال آن که باب تعارض در تضارب بین دو حجّت است. (اعتمادی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۵)

ثمره اصولی دیگر اینکه در باب عبارت کشی دو نکته مورد توجه است اول اینکه کشی در کتاب خود ادعای اجماع کرده است دوم اینکه ظاهر عبارت چنین است که این اجماع منقول به خبر واحد است. یعنی اولاً اجماع منقول بوده ثانیاً منقول به خبر واحد است. محدث نوری در خاتمه مستدرک در تلاش بوده که بگوید اصحاب چنین اجماعی را تلقی به قبول کردند. (نوری، ۱۴۲۹، ج ۲۳: ۳۴۰) در اصول فقه در خصوص حجیت اجماع مباحثی مطرح است با اینکه اکثر اصولیون اجماع منقول به حجیت خبر واحد را رد کردند. البته برخی مدعی هستند که اجماع مذکور اجماع اصولی نیست بلکه اجماع لغوی است. (کلباسی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۱۰۲) بهر حال وجود چنین اجماعی در آن عصر نشان از آن

دارد که خصوص چنین اجماعاتی که منقول به خیر واحد عدل است به فرض پذیرش اصولی بودن دال بر قبول بودن آن در عصور قریب به عصر معصوم (ع) دارد.

### نتیجه گیری

در بین رجالیون قاعده‌ی به نام اصحاب اجماع وجود دارد که اصل آن از عبارت کَشِّی است. کَشِّی در کتاب اختیار معرفة الرجال بر هیجده نفر از اصحاب ادعای اجماع بر تصحیح کرده است، اما متعلق اجماع را ذکر نکرده است در این خصوص نکات زیر قابل توجه است:

(۱) رجالیون در عبارت کَشِّی احتمالاتی مطرح کردند اهم این احتمالات آن است که یا اجماع بر تصحیح روایت اقامه شده است یا اجماع بر تصحیح راوی یا اجماع بر وثاقت مروی عنه، یا اجماع بر تصحیح کتب و اصولی حدیثی این افراد.

(۲) به نظر می‌رسد بیان جلالت شأن راوی نیازی به تصریح آن در قالب اجماع ندارد؛ چرا که اگر چنین اجماعی هم نبود وثاقت و اعتبار این افراد نزد امامیه ثابت بود. همچنین روایتی که آنان بدون واسطه نقل می‌کنند از آن‌رو که در عدالت و تقوی و بزرگی آنان تشکیکی نیست بنابراین مراد کَشِّی چنین احتمالی هم نبوده است هر چند این مطلب درست است. بنابراین علاوه بر این دو مورد (وثاقت راوی و صحت روایت بدون واسطه آنان) وثاقت افرادی است که بواسطه این افراد از معصوم (ع) نقل روایت می‌کنند از این‌رو چنین اجماعی نقل شده که این افراد از اشخاصی نقل اجماع کردند که مورد اطمینان و اعتماد بوده است.

(۳) دلیل بر اینکه مراد کَشِّی وثاقت روایانی است که به واسطه‌ی آنان از معصوم (ع) نقل روایت کردند، اولاً: دأب و رویه‌ی علمای و فقهای امامیه بر آن است که از افراد ثقة مطلبی را نقل کنند، خصوصاً اینکه آن مطلب روایت باشد که اهتمام ویژه‌ای به روایت می‌داند. ثانیاً: سیاق این عبارات عرفاً بیانگر اعتماد و اطمینان افراد منقول عنه است. ثالثاً: شیخ طوسی در ذیل اجماع بر تصحیح اجماع قاعده «لایرون و لایرسلون الا عن ثقة» را مطرح کرده از آن‌رو که شیخ نزدیک عصر کَشِّی بوده یقیناً نقل او و لو در قالب اجتهاد شخصی از کسانی که چند صد سال بعداً احتمال دیگری مطرح کردند به واقع نزدیک‌تر است. همانطور که علمای اصول شهرت نزدیک به عصر ائمه را قبول کردند.

۴) از میان اصحاب امام رضا (ع) کشتی به اجماع را در خصوص شش نفر قطعی نقل کرده است. چنانچه بیان شد اعتبار آنها هم در کلام ائمه (ع) خصوصا امام رضا (ع) و دیگر رجالیون ثابت شد. یونس بن عبدالرحمان و صفوان در رتبه برتر از این شش نفر واقع شدند. در خصوص سه نفر دیگر یعنی فضالہ بن ایوب، حسن بن علی بن فضال و عثمان بن عیسی برخی قائل شدند بجای اجماع بر این محبوب بر این سه نقل اجماع شده است. وثاقت دو نفر از آنان ثابت است اما در مورد عثمان بن عیسی تشکیک و توقف صورت گرفت چراکه سابقه واقفیه و مخالفت با امام رضا (ع) را در پرونده خود دارد. بنابراین روایات او را به صرف اجماع بر تصحیح نمی‌توان قبول کرد.

۵) ثمره بحث از اصحاب اجماع در در رجال، درایه و اصول خود را نشان می‌دهد. از آنجا که در وثاقت افراد مورد اجماع بحث می‌شود بحث رجالی، و از آنجا که در صحیح بوده حدیث آنان بحث می‌شود بحث درایه و از آنجا که در تعارض خبرین و ترجیح احدالخبرین بکار می‌رود اصولی خواهد بود.



## منابع و مآخذ

- استرآبادی، محمدجعفر بن سیف‌الدین. (۱۳۸۸). لب‌اللباب فی علم الرجال. چاپ سوم. تهران: نشر اسوه.
- اصفهانی، محمد حسین. (۱۴۲۹ق). نهایت‌الدرایه فی شرح الکفایه. بیروت: نشر المکتبه طبع الثانی.
- اعتمادی، مصطفی. (۱۴۱۸). الهدایه إلى أسرار الکفایه. قم: بی‌جا.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۶ق). فرائد الأصول. چاپ پنجم. قم: بی‌نا.
- بروجردی، حسین. (۱۴۱۵). نهایت‌الأصول. تهران: بی‌جا.
- تبریزی، جعفر سبحانی. (۱۴۱۸هـ ق). موسوعه طبقات الفقهاء. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- تقی‌الدین حلّی، حسن بن علی. (۱۳۴۲هـ ش). الرجال. تهران: چاپ دانشگاه تهران.
- حسینی حلّی، حسین بن کمال‌الدین ابرز. (۱۴۲۸هـ ق). زبده الأقوال فی خلاصه الرجال. قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۳۸۱ هـ ق) رجال العلامة - خلاصه الأقوال. طبع الثانی. نجف: منشورات المطبعة الحیدریه.
- حمیری، عبد الله بن جعفر. (۱۴۱۳هـ ق). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام.
- حلّی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰هـ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. طبع الثانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- خوبی، ابوالقاسم. (۱۴۱۳هـ ق). معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة. الطبع الخامس. بی‌جا: بی‌نا.
- رحمان ستایش، محمد کاظم. (۱۳۸۵). آشنایی با کتب رجالی شیعه. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.



- ربانی، محمد حسن. (۱۳۸۵). سبک شناسی دانش رجال الحدیث. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، چاپ: ۱.
- زنجانی، سید موسی شبیری. (۱۴۱۹ ه. ق.). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- ساعدی، حسین. (۱۴۲۶ ه. ق.). الضعفاء من رجال الحدیث. قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۱۰ ه. ق.). کلیات فی علم الرجال. قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
- شوشتری، محمد تقی. (۱۴۱۰ ه. ق.). قاموس الرجال. قم: جماعه المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- صرامی، سیف الله. (۱۳۹۱). مبانی حجیت آرای رجالی. قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، چاپ: ۴.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۰). فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
- طلائیان، رسول. (۱۳۸۱ ه. ش.). مأخذ شناسی رجال شیعه، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۳ ه. ق.). الفوائد الطوسیة، قم: چاپخانه علمیه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۰۲ ه. ق.). رجال العلامة الحلی. چاپ دوم. قم: الشریف الرضی.
- کلباسی، محمد بن محمد ابراهیم. (۱۴۲۲ ه. ق.). الرسائل الرجالیة. قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۴ ه. ق.). اختیار معرفه الرجال. قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- کلباسی، محمد بن محمد ابراهیم. (۱۴۲۲). الرسائل الرجالیة. قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.

- قمی، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳ ه. ق). من لا یحضره الفقیه. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- میرداماد، استرآبادی، محمدباقر بن محمد. (۱۴۰۵). الرواشح السماویه فی شرح الاحادیث الامامیه. قم: مکتبۃ آیت الله العظمی مرعشی.
- موسوی شفتی. (بی تا). رجال شفتی، رساله فی تحقیق ابان بن عثمان. چاپ سربی.
- مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۶ ه. ق). منتهی المقال فی أحوال الرجال. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- مدیر شانه‌چی، کاظم. (۱۳۷۱). حضرت رضا (ع). چاپ دوم. مشهد: انتشارات قدس رشو.
- مامقانی، عبدالله. (بی تا). تنقیح المقال فی علم الرجال. بی جا: بی نا.
- مظفر، محمد رضا. (۱۳۸۷ ش). أصول الفقه (با تعلیقه زارعی). چاپ پنجم. قم: بی نا.
- نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۲۹ ه. ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. لبنان: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵ ه. ش). رجال النجاشی. چاپ ۶. قم: جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- نجف، محمد مهدی. (۱۴۰۷ ه. ق). الجامع لرواه أصحاب الإمام الرضا علیه السلام. مشهد: المؤتمر العالمی للإمام الرضا (علیه السلام).
- نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۲۹). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.